

یادداشت •
غلامرضا عباسی

بایدهای افزایش عادلانه دستمزد کارگران

افزایش مزد سالانه کارگران، با توجه به افزایش تورم سالانه، امری ضروری است. ما در دو سه سال اخیر، افزایش حقوق قابل توجهی داشته‌ایم، اما عقب افتادگی‌های مزدی گذشته را نیز داریم. این عقب افتادگی‌ها در زمان‌های مختلف -مثل زمان جنگ و دولت‌های قبلی- روی هم جمع شده‌اند و به رقم‌های امروزی رسیده‌اند. همین شکاف بین دستمزدها و تورم واقعی، باعث شده سید معیشت کارگران با درآمد آنها همخوانی نداشته باشد و در امور معیشتی زندگی خود، مشکل داشته باشند. البته نباید فراموش کرد که طی چندسال اخیر، با توجه به تورم اعلام شده، افزایش حقوق سالانه کارگران، بیش از تورم اعلام شده بوده است که این مسئله هم جای تقدیر دارد. این حرکت، خوب بوده، اما کافی نیست؛ چرا که نتوانسته شکاف بین سید معیشت و حقوق دریافتی کارگران را از بین ببرد. کارگروه‌های کارگری، کارفرمایی و دولت، در قالب کمیته دستمزد و با توجه به اسناد و شاخص‌های موجود، به بررسی دستمزد کارگران می‌پردازند و نتیجه بررسی‌ها، به شورای عالی کار ارائه می‌شود. یکی از خروجی‌های مطلوبی که سال گذشته ارائه شد، تعیین سبد معیشت کارگران بود که به رقم دو میلیون و ۵۵۰ هزار تومان رسید. در این بین، مشکل اصلی، شکاف بین رقم سبد معیشت و حقوق دریافتی کارگرانی است که کمتر از یک میلیون تومان درآمد ماهانه دارند. در این بین، شاهد هستیم که دولت هم با مشکلات اقتصادی زیادی روبه‌رو است و برای حل این چالش‌ها، به همراهی و همکاری مردم نیاز دارد. از طرف دیگر، وضعیت کارفرمایان هم به شدت نامطلوب است. در چنین شرایطی، سوال اینجاست که چه باید کرد که قدرت خرید و کیفیت زندگی کارگران، افزایش پیدا کند؟ انتظار ما از کارگروه‌های نامبرده این است که به بررسی منطقی راهکارها بپردازند تا هم شرایط دولت در نظر گرفته شود، هم به کارفرما فشار نیاید و هم نیازهای معیشتی کارگران تامین شود. اگر کارگر مزد خوبی دریافت کند، کیفیت کالای تولیدشده هم رشد پیدا خواهد کرد، چرا که دغدغه‌های معیشت او حل شده و با انگیزه و انرژی بیشتر به کار می‌پردازد. نتیجه رشد کیفیت کالای ایرانی نیز رونق اقتصاد کشور خواهد بود که امیدوارم مسئولان، به این تأثیرات کلان افزایش دستمزد عادلانه کارگران، توجه داشته باشند.

رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران

ادامه از صفحه ۳ •

مرتضی افقه •

حل مشکلات مزمن...

ضمن اینکه نارضایتی معیشتی و متناسب نبودن سیاست‌گذاری‌ها، با الزامات رفاهی نیروی کار و خانواده‌های آنها، مانعی جدی برای توسعه یافتگی است. بنابراین، رفاه و رضایت این قشر عظیم و تأثیرگذار را باید در عمل و نه شعارهای تکراری که بسیار هم شنیده می‌شود، خلاصه کرد. چرا که مسائل و مقتضیات نیروهای کار، پیچیدگی‌های زیادی دارند و اساسا همان‌طور که تجارب چنددهه گذشته نشان داده، با شعارزدگی، همدردی و تکرار روش‌های مرسوم، نه تنها فقر ریشه‌کن نمی‌شود، بلکه حتی آینده روشنی را هم برای آنها ترسیم نمی‌کند. در عین حال، مسئولان و سیاستگذاران کشور، گریزی ندارند جز اینکه هم‌زمان با توجهی که به نیازهای رفاهی کارگران نشان می‌دهند، در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، به ملاحظات تولیدکنندگان که به طور غیرمستقیم بر نرخ تورم تأثیر دارد و منجر به تحمیل بیکاری و تهدیدی علیه شرایط معیشتی کارگران می‌شود، عنایت داشته باشند.

اقتصاددان و دبیر اسبق شورای عالی رفاه و تامین اجتماعی

۱۴۲۰ به سوالات بیمه‌شدگان، مستمری بگیران و کارفرمایان، پاسخ می‌دهد

مرکز ارتباطات مردمی سازمان تأمین اجتماعی، به سوالات و مسائل بیمه‌شدگان، بازنشستگان، مستمری‌بگیران و کارفرمایان، پاسخی می‌دهد. بیمه‌شدگان، بازنشستگان، مستمری‌بگیران و کارفرمایان، زمانی که با شماره تلفن ۱۴۲۰ تماس می‌گیرند مسئله و سوال خود را مطرح می‌کنند، کاربر اطلاعات مورد نیاز را از تماس گیرنده دریافت و پاسخ را ارائه می‌کند. مواردی که نیاز به بررسی تخصصی داشته باشند، پیگیری خواهند شد و نتیجه، به مخاطبان پیامک و یا ایمیل می‌شود. همچنین، مخاطبان سازمان تأمین اجتماعی، در تمام ساعات شبانه‌روز می‌توانند از طریق پیام صوتی، با مرکز ارتباطات مردمی این سازمان، در ارتباط باشند.

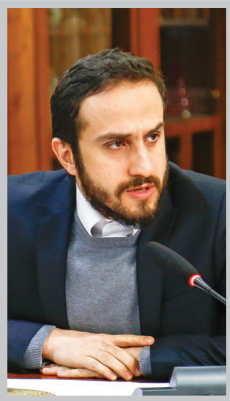


خبرها و نظره‌های تأمین اجتماعی

۶۰ | کتینه نو

در اولین نشست «عدالت اجتماعی، از آرمان تا واقعیت» با موضوع اشتغال و عدالت اجتماعی مطرح شد

با پول پاشی، بنگاه‌ها اشتغال زانمی شوند!



سیدمحمد صادق الحسینی



بایزید مردوخی



عیسی منصوری



مرتضی افقه



محمد رضا سپهری

و تزریق منابع به بنگاه‌ها، مشکل اشتغال حل نمی‌شود. بلکه راه منطقی این است که اشتغال ناقص -که در دنیا به اشتغال عمومی شناخته می‌شود- به رسمیت شناخته شود». منصور، اولویت اول اقتصاد کلان اشتغال محور را سیاست‌های فعال بازارکار دانست و خاطرنشان کرد: «در حوزه بازارکار، دو دسته درآمد ناشی از کار و درآمدهای غیرکاری داریم که نسبت آنها در ۵۰ سال گذشته، تغییری جدی کرده و باید در برنامه‌ریزی‌های اشتغال‌زایی، به آن توجه شود.»

بخش خدمات، توسعه پیدا کند

سیدمحمد صادق الحسینی، از دیگر کارشناسان اقتصادی‌ای بود که در این نشست تأکید کرد سیاست‌گذاری‌های اشتغال، باید مبتنی بر ایجاد مشاغل جدید باشد. وی با بیان اینکه درحال حاضر، ۷۵ درصد شغل‌های جدید در حوزه خدمات به وجود می‌آید، اظهار کرد: «دولت باید نگاه ویژه به این بخش داشته باشد، چرا که ایجاد اشتغال در دو بخش صنعت و کشاورزی، دیگر امکان‌پذیر نیست.» صادق الحسینی، ورود یک میلیون نفر را به بازارکار در یک سال منتهی به بهار امسال، اتفاقی بی‌نظیر در تاریخ اقتصادی کشور توصیف کرد و گفت: «دولت باید تمرکز خود را روی شغل‌های ناقص ببرد و بارانه‌های موجود را به سمت بارانه‌های مبتنی بر ایجاد شغل، هدایت کند.» گفتنی است این نشست‌ها توسط روابط عمومی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و با مشارکت موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، موسسه فرهنگی هنری «آهنگ آتیه» و موسسه کار و تأمین اجتماعی برگزار می‌شود و تا ۸ اسفندماه ادامه خواهد داشت.

کشور ما بخش خدمات، سهم قابل توجهی در اشتغال دارد. اما باید توجه کنیم که بسیاری از افرادی که به شهرهای بزرگ مهاجرت کرده‌اند، فاقد مهارت هستند و نمی‌توانند در حوزه خدمات، مشغول به کار شوند. بنابراین باید متناسب با ظرفیت و پتانسیل‌های هر بخش، سیاست‌گذاری کرد.

راه حل اشتغال، پول پاشی نیست

معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز در این نشست، مانع اصلی به نتیجه‌نرسیدن سیاست‌های عدالت‌محور در کشور را بنگاه‌محوری سیاست‌گذاری‌های مربوط به حوزه اشتغال دانست و گفت: «تا زمانی که بنگاه، محور سیاست‌گذاری‌های ما باشد، نمی‌توانیم به حوزه عدالت ورود کنیم.» عیسی منصوری، با اشاره به مطالعاتی که درباره متغیرهای اثرگذار بر اشتغال در وزارت کار انجام شده، گفت: «بررسی‌ها نشان می‌دهد هرچه سرمایه‌گذاری بیشتر باشد، شاخص سرمایه بهبود پیدا می‌کند اما شاخص اشتغال، بهتر نمی‌شود.» وی با یادآوری نرخ رشد ۱۶ درصدی در سالیان گذشته، اظهار کرد: «با پول پاشی

اهواز، دیگر سخنران این مراسم بود که از سیاست‌های پول محور انتقاد کرد و گفت: «ما می‌خواهیم با تزریق پول، تولید را سروسامان دهیم. درحالی که سرمایه و بودجه، شرط لازم هست، اما کافی نیست.»

وی توزیع عادلانه درآمد را از دو طریق، ممکن دانست. یکی دریافت مالیات از ثروتمندان به کم درآمدان و دوم، ایجاد اشتغال. افقه، با تأکید بر اینکه سیاست‌های تولید و اشتغال‌زایی، باید از ملی‌بودن فاصله بگیرند، اظهار کرد: «نمی‌توانیم سیاست‌های مربوط به استان یزد را در استانی مانند خوزستان اجرا کنیم. بلکه باید برای هر منطقه‌ای، سیاست‌های خاص آن منطقه را اجرا کنیم.» وی اشتغال‌زایی را ارزشی والا خواند و اضافه کرد: «در کشور ما، این ارزش به جایزه دادن به کارآفرین‌ها تغییر یافته، درحالی که این سیاست‌ها دیگر جوابگو نیست.» این اقتصاددان، با بازخوانی مفهومی به نام «دیکتاتوری تولید» گفت: «در جامعه، باید به هر کسی که به تولید کمک می‌کند، جایزه داد و هر کسی هم که مانع تولید شد، باید تنبیه شود.» افقه، به دوروش مدرن و سنتی در اشتغال‌زایی اشاره کرد و خاطرنشان ساخت: «در

زاویه دید

بایزیدمردوخی، مشاور وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی: نیروهای کار در ایران، به اندازه کافی برای ورود به بازار کار مجهز نمی‌شوند بنابراین لازم است تغییراتی در ۲ سطح آموزش متوسطه و عالی کشور داده شود. اعطای اختیارات بیشتر به استان‌ها و مشارکت دادن مدیران محلی در اتخاذ سیاست‌های درست یکی از مهم‌ترین اصلاحاتی است که برای موفقیت برنامه‌های اشتغال‌زایی، لازم است. باید این اختیار را به استان‌ها بدهیم که از منابع استفاده کنند و برای اشتغال، طرح پیشنهاد کنند.

دیکتاتوری تولید راه بیندازیم!

مرتضی افقه، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران

افزایش دستمزدها و تاثیر آن بر تامین اجتماعی

و اگر هم کسری داشته باشیم، مسئله مزد، تأثیر متفاوت‌تری خواهد داشت. درواقع، در حالت مازاد منابع، هرچه نرخ افزایش دستمزدها بیشتر باشد، برای تأمین اجتماعی آثار مثبتی در هر دو دوره زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت به همراه خواهد داشت. البته این موضوع، شرط دیگری هم دارد و آن اینکه رشد تعداد بیمه‌شدگان از رشد مستمری‌بگیران، بیشتر باشد. درحال حاضر اما وضعیت این گونه نیست و شاهد هستیم که سازمان تأمین اجتماعی، تاحدودی با مشکل تأمین منابع مالی و کسری نقدینگی روبه‌رو است. از طرفی دیگر، اگر دقیق‌تر شویم، در سال‌های اخیر، رشد تعداد مستمری‌بگیران، بیش از رشد بیمه‌شدگان بوده که خبر خوبی برای ساختار مالی تأمین اجتماعی نیست. از یک طرف، منابع به حد کفایت در دسترس نیست و دولت هم تعهدات خود را به‌موقع پرداخت نمی‌کند و از طرفی دیگر، نرخ رشد خروجی‌ها نسبت به ورودی‌ها پیشی گرفته است. در این حالت، هرچه افزایش سطوح دستمزدی بالاتر باشد، شکاف میان منابع و مصارف تأمین اجتماعی نیز عمیق‌تر می‌شود. اینها در حالت نقدی است اما اگر نگاهی به ساختار مالی سازمان تأمین اجتماعی، از بعد تعهدی نگاهی بیندازیم، می‌بینیم که هنوز به طرز قابل توجهی،

بنابراین طبیعی است که سازمان تأمین اجتماعی هم نیم‌نگاهی به مسئله افزایش سطوح دستمزدی بیندازد تا احیاناً تعادل مالی اش، به خطر نیفتد. برای بحث درباره تأثیر افزایش دستمزد بر تعادل منابع و مصارف تأمین اجتماعی، باید پارامترهای مختلف را در نظر گرفت. در سازمان تأمین اجتماعی، علاوه بر سطوح دستمزدی، دو مولفه نرخ رشد بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران نیز نقش زیادی در وضعیت منابع و مصارف ایفا می‌کنند و به همین علت، در بحث افزایش دستمزدها، باید به ساختار مالی تأمین اجتماعی در ابعاد نقدی و تعهدی نیز توجه کرد. اضافه بر این، باید توجه داشت که افزایش دستمزدها در کوتاه یا بلندمدت، آثار متفاوتی روی منابع و مصارف تأمین اجتماعی -در هر دو بعد نقدی و تعهدی- دارند. به عبارت دیگر، در حوزه تأمین اجتماعی، بحث بر سر این است که آیا با مازاد منابع روبه‌رو هستیم؟ یا مصارف، از منابع دریافتی، پیشی گرفته است؟ طبیعتاً افزایش سطوح دستمزدی در این دو حالت، آثار متفاوتی بر تأمین اجتماعی می‌گذارند. یعنی اگر سازمان تأمین اجتماعی، مازاد منابع می‌داشت و نظام مالی، به گونه‌ای بود که حق بیمه‌های دریافتی مصارف را پاسخ می‌داد و اضافه بر آن، پس انداز می‌شد، افزایش سطوح دستمزد، یک نوع اثر می‌داشت

یادداشت •
کامران قربانعلی •

افزایش حداقل دستمزد و سطوح دستمزدی، مسئله‌ای حساس و دارای مولفه‌ها و جنبه‌های زیادی است که هرساله، در کارگروه تعیین دستمزد شورای عالی کار، به آن پرداخته می‌شود. بر همین اساس، می‌توان دو نوع نگاه ملی و سازمانی، به مسئله دستمزد داشت. اگر از جنبه ملی، موضوع دستمزد را زیر ذره‌بین ببریم، انتظار این است که دولت، تمام خرده‌سیستم‌هایی را که دستمزد بر آنها تأثیر می‌گذارد، بررسی کند و نرخ بهینه‌ای برای افزایش‌ها در نظر بگیرد. این خرده‌سیستم‌ها، عبارت‌اند از سیستم اقتصاد کلان، نرخ رشد، حفظ قدرت خرید نیروی کار، مدیریت هزینه تمام‌شده کالاها، نظام‌های تأمین اجتماعی و ... که دولت باید بکوشد نرخی را به دست بیاورد که گزینه مطلوب برای همه زیرسیستم‌ها باشد. از نگاه سازمان تأمین اجتماعی، افزایش سطوح دستمزدی، از این رو مهم است که روی منابع ورودی آن، اثرگذار است. از سویی نیز با توجه به مواد ۹۶ و ۱۱۱ قانون تأمین اجتماعی، که از ترمیم مستمری‌ها صحبت کرده، مسئله دستمزد، روی مصارف هم تأثیر می‌گذارد.



یکشنبه • ۲۹ بهمن ۱۳۹۶ • شماره صد و چهل و دو

A T I V E H N O

رئیس گروه محاسبات بیمه‌ای معاونت بیمه‌ای سازمان تأمین اجتماعی